عطف کتاب

تازه‌های نشر نیلوفر

روایتی از مصر اشغال‌شده

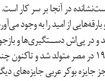

جواد طاهر از مهاجرت نویسندگان معاصر عرب

جایزه بوکر عربی شاید اساساً با این حال هیچ‌یک از آثار او به فارسی ترجمه نشده بود تا اینکه به‌تازگی و برای نمایشگاه کتاب امسال رواق «واحی غروب» او با ترجمه رحیم قروی و در نشر نیلوفر منتشر شده است. «واحه غروب» پیش از این به زبان‌های زیادی مثل انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، یونانی، نروژی و ایتالیایی ترجمه شده بود. داستان این رمان در دوهه آخر قرن نوزدهم می‌گذرد؛ زمانی که مصر در اشغال انگلستان است و حکومتی ناتوان و دست‌نشانده در آنجا بر سر کار است. تا اینکه انقلابی علیه انگلستان درمی‌گیرد و بارقه‌هایی از امید را به وجود می‌آورد اما در نهایت انقلاب به شکست می‌انجامد و در پی‌اش دستگیری‌ها و بازجویی‌ها شروع می‌شود. جواد طاهر در سال ۱۹۳۵ در مصر متولد شد و تاکنون چندین رمان و مجموعه داستان نوشته و به جز جایزه بوکر عربی جایزه‌های دیگری هم دریافت کرده است. انتشار «واحه غروب» طاهر به فارسی هم از آن‌رو اهمیت دارد که این اولین اثری است که از او به فارسی منتشر می‌شود و هم از این‌رو که ادبیات مصر بخشی مهم از ادبیات جهان عرب است.

واحه غروب/ نویسنده: جواد طاهر/ ترجمه رحیم قروی/ چاپ اول ۱۳۹۳

رقص زنده‌پوشان

«سفغر در برف»، رمانی از ارینش کستنر است که به‌تازگی با ترجمه سروش حبیبی منتشر شده است. کستنر رمان‌نامه‌نگار، شاعر، داستان‌سرا و نمایشنامه‌نویس مشهور آلمانی است که در سال ۱۸۹۹ در آلمان به دنیا آمد. در توضیح کتاب درباره او و رمان «سه نفر در برف» آمده «کستنر از داستان‌نویسان برجسته آلمانی است که به‌واسطه طنزی پرمفهوم و قلمی نزدیک به زبان مردم، در کشور خود محبوبیتی خاص دارد. وی در مقام ادیبی اخلاق‌گرا نیز از همه کودکان و نوجوانان، اصحاب آثار خود قرار می‌دهد. رمان دلنشین و لوسه نفر در برف به موضوعی می‌پردازد که در ادبیات جهان همیشه تازه است و آن اینکه جامعه اگر اندوه رنگ و ریا باشد، آدم‌ها ارزش یکدیگر را بر اساس ظاهر می‌سنجند. این رمان برخاسته دغدغه خاطرات مردی خبرنیز است که‌مدفوض قصه رادیویی و نمایشنامه قرار گرفته است.

سه نفر در برف/ اریش کستنر/ ترجمه سروش حبیبی/ ۱۴۰۰۰ تومان

سوت سکوت

**«وجهان آسمان زاده شد» دفتر شعر تازه‌ای از ضیاء موحد است که گزیده‌ای از شعرهای سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ او را دربرمی‌گیرد. این کتاب حدود ۵۰ شعر موحد را دربرگرفته و مولفه‌های اصلی شعرهای موحد در این شعرها هم دیده می‌شود. عنوان برخی از اشعار این کتاب عبارتند از: قصه، طلوس، مثل این دوسرگرد، القیدا لدیت نیست که پایان داشته باشد، درد نیمه‌شب، انتظار به خط دلتنگی، شکار، خبر و... در شعر اول مجموعه با نام «قصه» می‌خوانیم: «دیشب، سرگرد/ سنگی نهادم بر کوه سیاهی/ کوه سیاه سنگین شد از سنگ/ تنگ بلورینی نهادم در میان دره کوه/ و دره کوه/ شرم‌گرفت آن تُنگ را تنگ، باخبر وزید و سنگ را در دره/ غلطاند/ تنگ بلورین را به خاطر «ترس و اعتراف» پیش از سرگرد/ تنگ بلورین را به خاطر «ترس و اعتراف» پیش از سرگرد/ تنگ بلورین را بر زمین کوبید/ و هدایت و بر زمین کوبید/ و هدایت و رفتند/ و رفتند/ و رفتند/